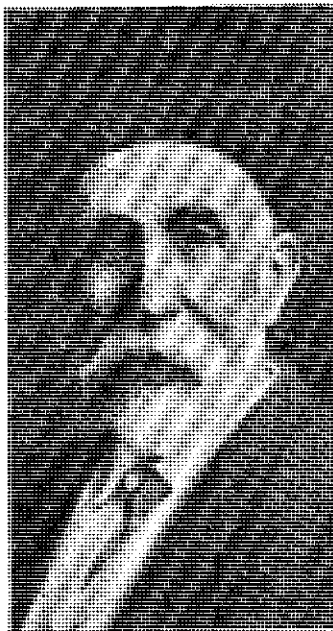


۱۳۰۰ شمسی به نفع یکی از طرفین درگیر که موضوع اصلی این بررسی است به برخوردهای نظامی بالنسبه مستمری منجر شد که برای مدتی، بخش مهمی از کل قوای نظامی فارس را که در سایر نقاط منطقه و برای موارد مهمتری به وجودشان احتیاج بود، گرفتار خود ساخت.

بنا به دلایلی که مورد اشاره قرار خواهند گرفت، این مسئله در همان مرحله به صورت کامل حل و فصل نشد و بار دیگر در سال ۱۳۰۷، زمینه برخورد و اغتشاشی به مراتب گسترده‌تر از پیش گشت که مآلاً تلفات جانی و ضایعات مالی چشمگیری به دنبال داشت.

مجموعه اسنادی که در این بررسی معرفی می‌شوند، از لحاظ روشتر شدن جوانی چند از نحوه تکوین این ماجرا و عملکرد دولت در این زمینه جالب توجه می‌باشند.



حاج معین‌التجار بوشهری

با توجه به ساختار عشایری ممسنی که طوایف رستم، بکش، دشمن زیاری و جاوید را دربر دارد و همجواری آن با دیگر مناطق مهم عشایری فارس، تبدیل هرگونه اختلاف نظر محلی به نوعی برخورد و مقابله مسلحانه امر استثنایی و غریبی نبود. تاریخ معاصر منطقه خود گواهی است بر این امر؛ ولی با واگذاری بخشی از اراضی خالصه ممسنی در ایام حکمرانی مظفرالدین‌شاه قاجار به معین‌التجار بوشهری، مسائل ملکی این سامان که به هر حال مطابق با عرف و عادت محلی رفع و رجوع می‌شد، جنبه‌ای دیگر و مشکلتری یافت. دو گروه از مالکین محلی ممسنی، یعنی امامقلی خان رستم و سادات طباطبایی فهلیان نسبت به مالکیت معین‌التجار اعتراض داشته و حتی الامکان مانع آزادی عمل او می‌شدند. البته مخالف عمده امامقلی خان رستم بود که به علت تشب مادری‌اش با خوانین بویراحمد نه تنها دیگر رقیب محلی خود، نصرالله خان را از صحنه خارج کرده و امور طایفه رستم را در دست گرفته بود، بلکه در مخالفت با معین‌التجار و مخالفین محلی خود نیز از حمایت قدرتمند بویراحمد برخوردار بود.

در پی خاتمه یافتن جنگ جهانی اول معین‌التجار بوشهری بر آن شد با استفاده از نفوذ و اعتبارش در مرکز، مخالفین محلی خود را که در آشوب سالهای اخیر قدرت یافته بودند، از میان برداشته و مالکیت خود را بر املاک مزبور مسجل سازد. وی ضمن ارسال نامه‌ای به وزارت

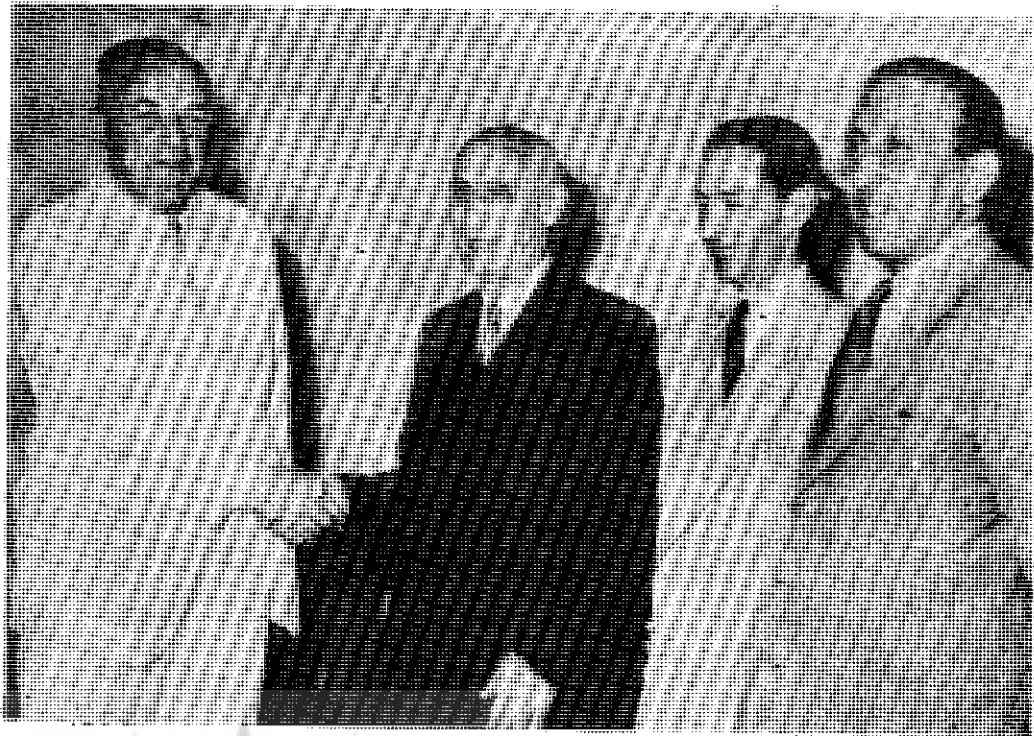
معین‌التجار بوشهری و لشکرکشی او به ممسنی



کاوه بیات

در ایران اختلافهای ملکی همیشه سرمنشا بسیاری از برخوردها و درگیری‌های محلی بوده است ولی در تاریخ معاصر ایران کمتر نمونه‌ای از این گونه اختلاف‌ها را می‌توان یافت که همانند اختلاف ملکی خوانین ممسنی یا معین‌التجار بوشهری، زمینه‌ساز رشته آشوبها و اغتشاشهایی منطقه‌ای شده باشد. تلاش دولت برای حل و فصل این مسئله در سالهای نخست دهه

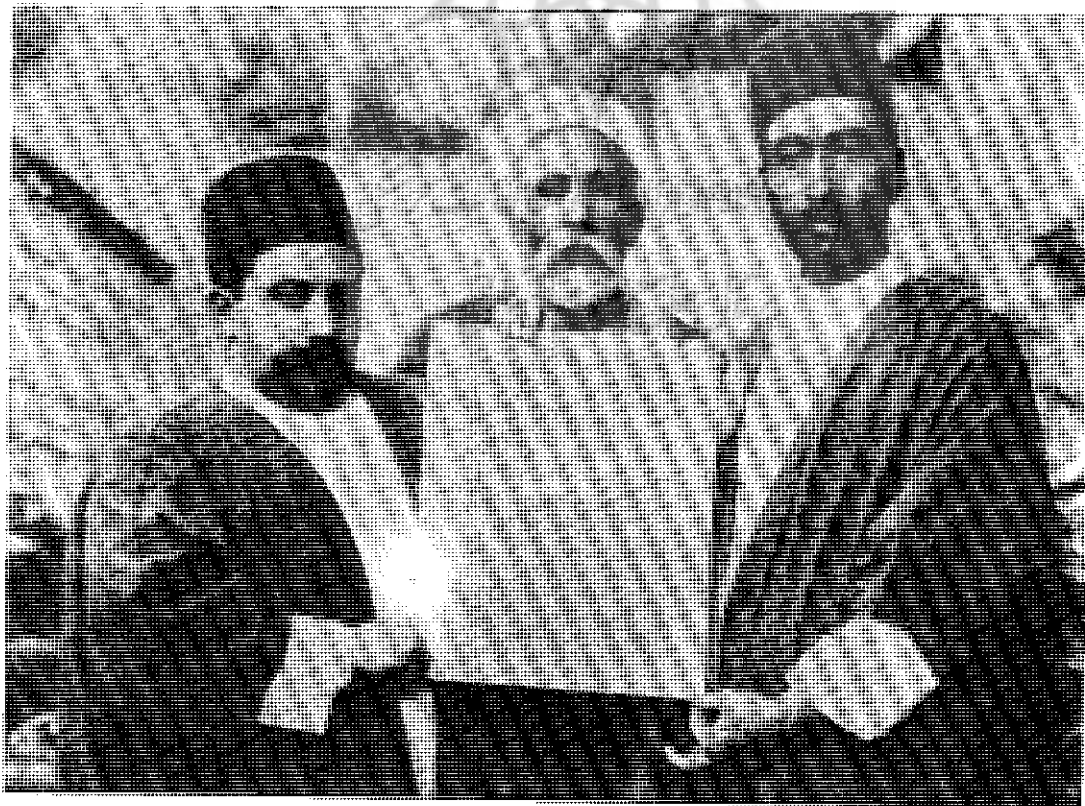
شماره ۱] وزارت داخله نیز از نصرت السلطنه والی فارس خواست که «... قوای کافی برای تنظیم آن صفحات...» اعزام دارد.^۲ علاوه بر این به لطفعلی خان امیرمفخم ایلخانی بختیاری نیز که اداره امور کهگیلویه و بویراحمد را نیز برعهده داشت اطلاع داده شود که با توجه به اقدامات والی فارس در انتظام ممسنی، او نیز از دخالت بویراحمد در مسائل ممسنی جلوگیری کند.^۳ چند روز بعد نیز باز هم وزارت داخله، ضمن مخابره تلگراف دیگری به امیرمفخم بختیاری، بویزه بر نقش طوایف آقایی و قاید گیوی بویراحمد در این مسائل تاکید داشته و از او می‌خواهد که از خوانین بویراحمد التزام بگیرد که مداخله نکنند.^۴



امیرهمایون بوشهری - امیر علایی - دکتر مصدق - استوکیس

از سوی دیگر جواد بوشهری (امیرهمایون) بسر معین‌التجار که در فارس به نمایندگی از پدر عمل می‌کرد به نیرویی که نصرت‌السلطنه برای اعزام به ممسنی فراهم ساخته بود راضی نشده و قوایی معادل ۵۰ سرباز و یک عراده توپ می‌خواست. چون اعزام چنین قوایی حداقل ۲۰۰۰ تومان مخارج داشت و منوط به تصویب وزارت داخله بود، نصرت‌السلطنه در این باب از مرکز

برای سرکوب بویراحمدها یک نیروی مکفی، همراه با یک عراده توپ اعزام شود تا با همراهی اهل محل موضوع فیصله یابد. [بنگرید به سند داخله در ۹ ذیحجه ۱۳۳۹ق [۲۳ مرداد ۱۳۰۰ش] با تاکید بر اهمیت انتظام ممسنی از نقطه نظر امنیت راه اصفهان - بوشهر تقاضا می‌کند که



حاج محمد اسماعیل مفاز - حاج معین‌التجار بوشهری - حاج حسین آقا امین‌الغرب

کسب تکلیف کرد.^۵ پاسخ وزارت داخله به این استفسار بیانگر مقدمات خاص و غیرمعماری است که بر این لشکرکشی ترتیب یافته بود؛ وزارت داخله ضمن تایید درخواست امیرهمایون و تاکید بر اعزام حدود ۱۰۰ سرباز به ممسنی، دستور می‌دهد که یکی از توپهای کوهستانی پلیس جنوب نیز همراه با قوای اعزامی ارسال شود. «مخارج فوق‌العاده» اردو را نیز معین‌التجار خود شخصاً متقبل می‌شد. [نگرید به سند شماره ۲]

مخارج اردو «... از قبیل تهیه چادر و ملبوس و کرایه مال و قیمت فشنگ و عده بالغ بر سه هزار تومان...» می‌شد که پس از مشورت با معین‌التجار قرار شد وی فوق‌العاده سرباز و توپچی و کرایه مال برای حمل توپ و قورخانه توسط نماینده محلی اش در فارس بپردازد.^۶ در حالی که رؤسای بختیاری، لطفعلی‌خان امیرمفخم و مرتضی‌قلی‌خان صمصام‌السلطنه به وزارت داخله پاسخ دادند که «حسب الامر» به نایب‌الحکومه بهبهان تاکید شد که از تجاوز بویراحمدها جلوگیری و با والی فارس همکاری کند.^۸ نصرت‌السلطنه نیز اطلاع داد که اردوی اعزامی در اوایل مهر عازم ممسنی خواهد شد.^۱ بالاخره اردوی مرکب از ۱۰۰ سرباز و سوار و دو عراده توپ، تحت سرپرستی امیرهمایون بوشهری راهی ممسنی شد و چنانچه از گزارش تلگرافی شیراز [سند شماره ۳] برمی‌آید پس از رشته برخوردهایی در ماه آبان، نیروهای امامقلی‌خان و بویراحمده شکست خورده و منهزم می‌شود.^{۱۰}

تحولات ناشی از انحلال واحدهای نظامی موجود و تشکیل قشون متحدالشکل در اوایل زمستان ۱۳۰۰ که بویزه در فارس، برای مدتی نوعی خلاء انتظامی پدید آورد^{۱۱} و همچنین بی‌میلی فرمانده اردوی اعزامی به ادامه عملیات، وقفه‌ای چندماهه بوجود آورد. وزارت داخله (و به احتمال قوی در میان نظر معین‌التجار) از عدم جدیت رئیس اردوی ممسنی شکایت داشت و از والی فارس خواست تا پس از مشورت با ریاست قشون فارس «... صاحبمنصبی مطمئن با عده نظامی و مقدار کافی مهمات...» به جای او اعزام شود «... که از اقدامات نتیجه حاصل شود.»^{۱۲} و حتی هنگامی که نماینده معین‌التجار در فارس به او اطلاع داد که شایع است اردوی

ممسنی قصد بازگشت دارد و «... هرگاه برگردند دیگر نظم و امتیازی باقی نخواهد ماند...»^{۱۳} نفوذ معین‌التجار در مرکز موثر افتاده، قوام‌السلطنه، رئیس‌الوزرا وقت از وزارت جنگ خواست که به

● در تاریخ معاصر ایران کمتر نمونه‌ای از اختلافهای ملکی را می‌توان یافت که مانند اختلاف ملکی خوانین ممسنی و معین‌التجار بوشهری باشد



نجفلی خان صمصام‌السلطنه

ریاست قشون فارس اطلاع دهد «... مادام که امامقلی‌خان تسلیم نشده و در قلعه خود باقی است اردو را رجعت ندهند و با امامقلی‌خان ضرب‌الاجل نمایند که از قلعه خارج گردیده، تسلیم اردو شود، به شیراز بیاید و در آنجا قرار لازم در کار او داده شود.»^{۱۴}

از آنجایی که خود امامقلی‌خان رستم نیز طی ارسال تلگرافی به ریاست وزرا، با اشاره به سوابق خدمت‌گذاری و دولت‌خواهی خود و خاندانش و شکایت از لشکرکشی‌های پنج ماه اخیر امیرهمایون، خواهان رسیدگی قانونی به خواسته‌هایش شده بود [نگرید به سند شماره ۴] و نصرت‌السلطنه نیز با اتخاذ روشی مسالمت‌آمیز موافق بود. [نگرید به سند شماره ۵] وزارت داخله نیز موافقت خود را با چنین ترتیبی اعلام داشته و توصیه کرد وی به شهر

آمده و «... به اظهاراتش رسیدگی و احقاق حق...» شود.^{۱۵} در پاسخ به عریضه تلگرافی امامقلی‌خان [سند شماره ۴] نیز وزارت داخله تلگرافی به همین مضمون به وی مخابره کرد [نگرید به سند شماره ۶]

با این حال دور بعدی مذاکرات نیز بدون جنگ و جدل نگذشت. از گزارشهای موجود چنین به نظر می‌آید که تلاشهای ریاست قشون فارس (احتمالاً نایب سرهنگ بصیر دیوان فضل‌الله‌خان زاهدی) برای حل و فصل مسالمت‌آمیز ماجرا با موفقیت کامل روبرو نشد و علی‌رغم مذاکرات دبیر اعظم و ناصردیوان کازرونی- فرستادگان والی- با امامقلی‌خان، زدوخوردهای مختصری نیز روی داد [نگرید به اسناد شماره ۷ و ۹] بنا به تعبیر روزنامه ایران، پس از اعزام اردوی شیراز «... قبلاً به طور نصیحت داخل مذاکرات شده، چون مشارالیه متقاعد نشده لهذا اردو در صدد عملیات برآمده و قریباً وسایل رفع شرارت وی را خواهد نمود.»^{۱۶} ظاهراً این بار نیز پشتگرمی امامقلی‌خان به نیروی بویراحمده و ناتوانی یا بی‌میلی خوانین بختیاری در جلوگیری از بویراحمدها، یکی از علل پیدایش چنین وضعیتی بود [نگرید به سند شماره ۸]

اگرچه در این مجموعه از نحوه حل و فصل نهایی ماجرا سندی ملاحظه نشد ولی می‌دانیم که بالاخره در فروردین ۱۳۰۱ اش «بخشی از افراد نیروی جدیدالتاسیس لشکر جنوب در ممسنی مستقر شده»^{۱۷} و در خرداد ۱۳۰۲ نیز بالاخره

● عملیات ممسنی که نقش مهمی در تحولات فارس در نیمه اول دوران حاکمیت رضاشاهی داشت، بیشتر به نوعی لشکرکشی خصوصی شباهت دارد تا روال متعارف اعاده اقتدار دولت.

امامقلی‌خان با تخریب پاره‌ای از قلاع تحت اختیارش در منطقه موافقت کرد و حتی گروهی از سواران رستم را به عنوان همراهی، به خدمت قشون گماشت.^{۱۸} ولی همانگونه که وقایع بعدی و از سرگرفته شدن موضوع اختلاف ملکی مزبور در سالهای بعد برمی‌آید، روشن است که دور اول درگیری بیش از آن که به حل و فصل نهایی موضوع خاتمه یابد به نوعی مصالحه و حفظ

وضع موجود خاتمه یافته بود. احتمالاً درگیری‌های اساسی دولت در نواحی غربی ایران و بویژه تهیه و تدارک لازم در جهت سرکوب طغیان شیخ خزعل در خوزستان، در تمایل دولت به «حفظ وضع موجود» در ممسنی و اصولاً کل جنوب در سالهای نخست دهه ۱۳۰۰ موثر بوده است. این مسئله از سال ۱۳۰۵ از نو به صورت رشته درگیری‌هایی محلی بروز کرد که بتدریج به موضوعی اساسی تبدیل شد که زمینه

● با واگذاری بخشی از اراضی خالصه ممسنی در ایام حکمروایی مظفرالدین شاه قاجار به معین‌التجار بوشهری، مسائل ملکی این سامان که مطابق عرف و عادت محلی رفع و رجوع می‌شد جنبه‌ای دیگر و مشکلت‌تری یافت.

برخورد خونین قوای دولتی و عشایر بویراحمد در سالهای ۱۳۰۷ تا ۱۳۰۹ گردید. یکی از اسفبارترین وجوه این ماجرا اعمال نفوذ آشکار معین‌التجار و لهذا روش یکجانبه‌ای است که دولت در قبال آن اتخاذ کرد. در واقع عملیات ممسنی که نقش مهمی در تحولات فارس در نیمه اول دوران حاکمیت رضاشاهی داشت، بیشتر به نوعی لشکرکشی خصوصی شباهت دارد تا روال متعارف اعاده اقتدار مرکز.



پانویس‌ها:

۱. جامع‌ترین منبع موجود در باب تاریخ ممسنی اثر ذیل است: نورمحمد مجیدی، تاریخ و جغرافیای ممسنی، تهران، ۱۳۷۱، انتشارات علمی.
۲. وزارت داخله به ایالت فارس، ۲۲ اسد ۱۳۰۰. [اسناد وزارت کشور (از این پس) ۳/۱۷۷۶]
۳. وزارت داخله به ایلخانی بختیاری، نمره کتاب ثبت ۲۲.۷۸۶۸ اسد ۱۳۰۰ [ک ۳۱/۱۷۷۶]
۴. وزارت داخله به ایلخانی بختیاری، نمره کتاب ثبت ۱۵.۲۸۷۹ ذیحجه ۱۳۳۹ [۲۹ مرداد ۱۳۰۰] [ک ۲۳/۱۷۷۶]
۵. اداره تلگرافی دولت علیه ایران، از شیراز به طهران، نمره تلگراف ۱۲۲، تاریخ اصل ۳۰، تاریخ وصول ۳۱ اسد [مرداد] ۱۳۰۰: [ک ۳۳/۱۷۷۶]
۶. وزارت داخله، سواد تلگراف ایالت فارس، نمره ۲۷۲۸، سنبله (شهریور) [ک ۲۹/۱۷۷۶]
۷. وزارت داخله به معین‌التجار، اداره جنوب، نمره ۹۲۲۲/۳۱۲۸، مورخه ۱۴ برج سنبله (شهریور) ۱۳۰۰ [ک ۲۹/۱۷۷۶]
۸. تلگراف نمره ۷/۱۵ سنبله ۱۳۰۰ [ک ۲۴/۱۷۷۶]
۹. اداره تلگرافی دولت علیه ایران، شیراز به طهران، نمره ۴:۵ میزان ۱۳۰۰ [ک ۲۱/۱۷۷۶]
۱۰. احتمالاً همین رشته برخوردها است که در منابع بویراحمدی از آنها به نام «جنگ آجودانی» (منسوب به آقاچواد امیرهایون) یاد می‌شود. برای آگاهی بیشتر بنگرید قدرت‌الله اکبری، بویراحمد در گذرگاه تاریخ، چاپخانه مصطفوی شیراز، مردادماه ۱۳۷۰، صص ۳۲-۳۳. در این کتاب تاریخ درگیری مزبور ۱۳۰۲ ذکر شده است که احتمالاً



قوام‌السلطنه در مجلس

۱۳۰۰ صحیحتر است، زیرا در ۱۳۰۲ امامقلی خان تسلیم شده بود.

۱۱. برای آگاهی بیشتر بتگرد به مکاتبات نصرت السلطنه با مرکز این ایام و بویژه تلگراف ۱۵ حوت [اسفند] ۱۳۰۰ او به رئیس الوزرا، (نمره ۵۶، شیراز به طهران)، ک ۵۲۱۸.

۱۲. وزارت داخله، نمره کتاب ثبت ۵۲۲۰، ۲۷ ربیع الثانی ۱۳۲۰ [۷ جدی ۱۳۰۰، ک ۱۳/۱۷۷۶]

۱۳. اداره تلگرافی دولت علیه ایران، نمره تلگراف ۲۰۶، شیراز به طهران، ۱۳ جدی ۱۳۰۰ [ک ۳/۱۷۷۶]

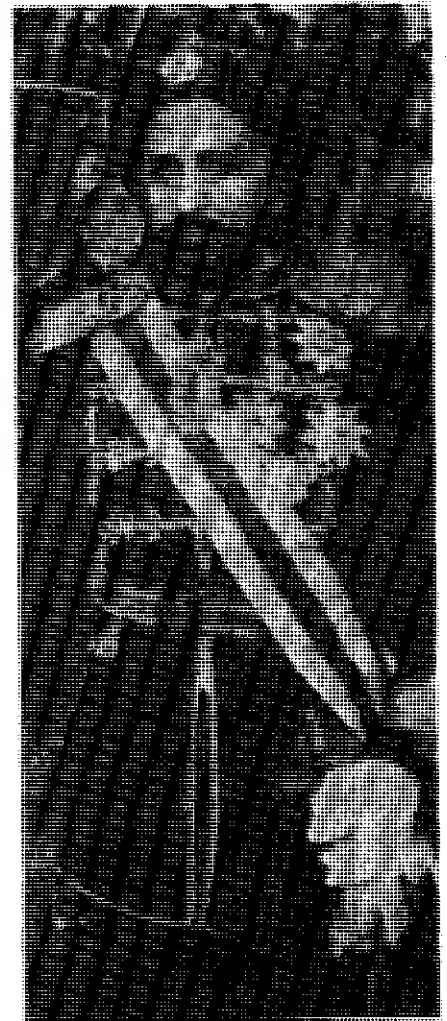
۱۴. وزارت داخله، نمره کتاب ثبت ۱۶، ۵۵۰۶، جمادی الاول ۱۳۲۰/۲۴ جدی ۱۳۰۰ [ک ۲/۱۷۷۶]

۱۵. وزارت داخله، نمره کتاب ثبت ۳۰، ۶۰۶/۱۷۹۷۹ دلو ۱۳۰۰ [ک ۸/۱۷۷۶]

۱۶. روزنامه ایران، ۱۸ حوت ۱۳۰۰

۱۷. نویخت، شاهنشاه پهلوی، تهران، [۱۳۰۲]، مطبعه مجلس، ص ۷۰

18. Lieut. G.F. Magee, the Tribes of Fars, Nov. 1945, Government of India Press, Simla 1948, p. 156.



شیخ خزعل

[سند شماره ۱]

[نامه معین التجار به وزارت داخله، ۲۲ مرداد ۱۳۰۰]

به تاریخ ۹ شهر ذیحجه ۱۳۳۹ [۲۳ مرداد ۱۳۰۰]

مقام منبع وزارت داخله، خاطر مبارک حضرت مستطاب اشرف آقای رئیس الوزرا دامت شوکه از موقعیت و اهمیت نظم ممسنی که محل عبور ایلات است مسبق می‌باشید و همیشه صد نفر سرباز و یک عراده توپ برای نظم آنجا از طرف دولت فرستاده می‌شد. سه گذشته چند نفر سرباز فرستادند، چون کافی نبود بیشتر بر تجری طایفه بویر احمد افزوده، بواسطه تهاجم و غارت‌های مکرره آنها تقریباً شصت نفر از طرفین مقتول شده مسلماً باعث بی‌نظمی راه اصفهان و بوشهر خواهد شد. لازم است زودتر از طایفه بویر احمدی جلوگیری شود. شرارت آنها معلوم است. مستدعی است هر تلگرافی به ایالت فارس صادر فرمایند یک عراده توپ یا یک عده که کافی برای نظم بدانند زودتر بفرستند. اهل خود محل هم همراهی می‌نمایند که انشاءالله بدون زدو خورد آنجا منظم می‌شود. زیاده تصدیع نمی‌دهد چون تفصیل حضوراً عرض شده. چون بهبهان و کوه گیلویه هم سپرده به خوانین بختیاری می‌باشد مستدعی است تلگرافی به خوانین بختیاری بفرمائید که جلوگیری از این طایفه بنمایند [سطر آخر ناخوانا]

[امضاء معین التجار]

[۳۲/۱۷۷۶]

۱. اصل: نیلات

محل ممسنی توپ کوهستانی خیلی موثر است در صورت امکان از طرف ایالت جلیله یکی از توپهای شنیدر کوهستانی دولت را که در اداره اسپیار است گرفته همراه سربازها روانه دارند. به طوری که در تلگراف قبل خاطر مبارک را مستحضر هستند فوق العاده را آقای حاجی معین التجار خواهند پرداخت [و میزان آن را از قرار هر نفر سرباز یا توپچی روزی دو قران در نظر گرفته‌اند مخارج حقوق معمولی نظامیان که اعزام می‌شوند البته با دولت خواهد بود. نمره ۲۳/۲۹۸۲ ذیحجه [مهر] وزارت داخله

[در حاشیه آمده است] برای آقای حاج معین التجار فرستاده شود. ۵ سنبله. ثانیاً تجدید شود.

[ک ۳۶/۱۷۷۶]

۱. اس بی آر = پلیس جنوب

۲. مطالب درون [خط خورده است.

[سند شماره ۳]

[راپورت شیراز، ۱۳ آبان ۱۳۰۰]

اداره تلگرافی دولت علیه ایران از شیراز به ط.

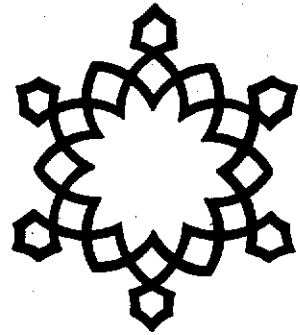
راپورت شیراز، ۱۳ عقرب. رفتن صد نفر سرباز و توپچی و سوار با دو عراده توپ تحت اختیار جواد آقا به طرف ممسنی را به عرض رسانیدم. حین حرکت آنها تلگراف متحدالمالی از امامقلی خان و بعضی کدخدایان ممسنی، آقایان حجج الاسلام رسید که ما مطیع و رعیت دولتیم مالیات و مرسوم خود را داده و میدهیم بی جهت توپ و نظام دولت را به سرخانه ماها می‌آورند و با ما طرف می‌کنند. اگر سوءالقائاتی رخ داده از راه دفاع و حفظ ناموس و خانه خودمان است نه از راه تمرد و یاغی‌گری. عده نظامی می‌روند و سه فقره حمله می‌کنند و هر سه دفعه شکست فاحشی خورده تلفات و ضایعاتی داده عقب‌نشینی اختیار می‌کنند دفعه چهارم بر جسارت آنها افزوده دنبال می‌کنند از قرار خبری که اخیراً رسیده ده دوازده نفر سرباز بدبخت مقتول قریب بیست نفر مجروح مونسین‌شان به کلی تمام می‌گویند ده دوازده نفر از آن طرف کشته می‌شود. جواد آقا از سردار عشایر استمداد می‌طلبند که ناصرخان پسرش را بایک عده قشقای بفرستند. نصیر نظام و عده توپچی که توپ

[سند شماره ۲]

[وزارت داخله به ایالت فارس، ۴ شهریور ۱۳۰۰]

وزارت داخله، اداره جنوب، نمره ۲۹۸۲، [به] شیراز، مورخه ۴ برج سنبله ۱۳۰۰ ایالت جلیله. تلگراف نمره ۲۵۴۴ زیارت.

از قرار معلوم در سنوات سابقه معمولاً یک صد سرباز اعزام و توپ هم فرستاده می‌شده. برای مساعدت با آقای حاج معین التجار و تکمیل انتظامات محل ممسنی مقرر خواهند فرمود در حدود همین عده سرباز اعزام شود. چون برای



شنیدر ندیده و اطلاع از آن توپ نداشتند یک آهن جزء اعظم توپ را می شکند لاستیکش باره هوای آن خارج به کلی از خیر انتفاع می افتد با این حال نصیر نظام نوشته بود که اگر آهنگر با اطلاعی یا مونسون نرسد هر دو توپ در معرض خطر است. فتح الله
[در حاشیه] اداره جنوب شعبه مطبوعات فقط اطلاع حاصل نماید به جراید داده نشود. ۱۵
عقرب [ک] ۱۴۱۷۷۶

[سند شماره ۴]

[امامقلی خان رستم به ریاست وزراء، ۲۸ بهمن ۱۳۰۰]
اداره تلگرافی دولت علیه ایران نمره کتاب ۴۸۱ از کازرون به ط.
تاریخ اصل ۲۷ [دلو] تاریخ وصول ۲۸ دلو ۱۳۰۰

مقام منیع حضرت اشرف اعظم آقای ریاست وزراء روحی فداه. چنانچه سالک از وقایع حاضر مستحضر باشید پنج ماه است امیر همایون با قوای دولتی توپ متعدد اردوی قشقایی و کوه مرهجات ممسنی مصمم خرابی و اخراج چاکر و رعایای رنجبر از وطن سیصد ساله شده. عموم ملت فارس از بی گناهی چاکر مطلع به دوسیه های مرکزی و ایالتی رجوع فرمایند هیچ وقت فامیل چاکر از اوامر دولتی سرنیچیده مرتکب شرارت نشده ایم از طریق درستکاری تحصیل معیشت نموده. امروز مملکت ایران تحت قانون است قاطبه ملت مترصدند در سایه دولت علیه راحت زندگی نمایند خلاف چاکر را تحقیق فرموده پس از دادن مالیات و تقدیمی به اطمینان کلام الله پسر را فرستادم توقیف کرد. باز مصمم



امامقلی خان رستم

اخراج چاکر و این ملت مظلوم است. از مراجع بیکران مستدعی اسباب آسایش مظلومین را فراهم فرمایند. چاکر امامقلی رستم.
[ک] ۱۱۷۷۷۶

[سند شماره ۵]

[ایالت فارس به وزارت داخله، ۲۸ بهمن ۱۳۰۰]
اداره تلگرافی دولت علیه ایران نمره کتاب ۳۶۹ شیراز به ط. نمره تلگراف ۱۰۴
تاریخ اصل ۲۷ [دلو] تاریخ وصول ۲۸ دلو ۱۳۰۰

وزارت جلیله داخله. تلگراف رمز نمره ۷۷۷ راجع به ممسنی واصل گردید ریاست قشون از قرار اظهار خودش بر حسب تعلیمات وزارت جلیله جنگ به ممسنی عزیمت نموده است اما راجع به خرابی قلاع آنجا نظر به مصالح مملکتی به امامقلی خان اطمینان داده شد که در شیراز حاضر و مطالب خود را اظهار نموده و رسیدگی شود و قلاع همه در تصرف عده نظامی باشد تا پس از رسیدگی تکلیف آن معین گردد. معذالک اگر ترتیب دیگری را مقتضی بدانید به فرمایید رفتار شود. نمره ۶۸۸۷. نصرت السلطنه.
[ک] ۷۱۷۷۶



لطفلی خان امیرمغفم

دهدشتی. تعجب دارم راپورت مفصل تلگرافی عرض کردم گویا قاصد نرسانیده آقای رییس قشون ۱۵ جیم ۲ [جمادی الثانی] وارد. فرداشب امامقلی به قوایی که از طرف اردو در کوه گذارده شده بود حمله برده دو نفر قزاق مقتول چهار نفر مجروح ۲ نفر تفنگچی مقتول شش نفر مجروح شدند. در نتیجه این اقدام از طرف ریاست قشون هم چند تیر توپ به قلاع او خالی شد ولی مجدداً فردای آن روز جنگ را موقوف مشغول مذاکره صلح شدند. ۲۴ [جمادی الثانی] دبیر اعظم رییس کابینه ایالتی وارد، ۱۲ روز مشغول مذاکره بودند. همه قسم اطمینان دادند مطیع نشده. نمره به طرف کازرون مراجعت کردند. امروز مجدداً رییس کابینه و نامی دیوان از طرف ایالت مراجعت کردند بلکه ترتیب اصلاحی بدهند گویا قرار است او را کلانتر کل رستم نمایند ولی در شاه حسنی دخالت نکنند در این طرف سنگر منزلی برایش معین نمایند. البته فدوی مطیع اوامر دولت هستم در سفر قراردادی با امامقلی گذارده بودند که پسرش با چهار نفر کدخدازاده گروهی در قزاقخانه بگذارد تا کلاتری کل رستم شود با وجودی که قبول کرده بود اجرا نداشت نتیجه مذاکرات این سفر بعد معروض می دارم ■

۱۱ رجب. جواد.
[ک ۱۷۷۶/۴۰]

۸/۱۷۷۶] صادر شده گمان می کنم مطالب راجع به همین قضیه باشد.
[ک ۱۷۷۶/۱۰]

[سند شماره ۸]

ایالت فارس به رئیس الوزراء ۲۱ اسفند ۱۳۰۰

اداره تلگرافی دولت علیه ایران نمره کتاب ۲۳۷۴. شیراز به طهران. نمره تلگراف ۷۹ تاریخ اصل ۲۱ [حوت] تاریخ وصول ۲۱ حوت ۱۳۰۰

خدمت حضرت مستطاب اجل اشرف آقای رییس الوزراء دامت شوکت. کپی وزارت جلیله داخله. دو سه روز قبل دبیر اعظم نماینده ایالت از ممسنی به کازرون آمد و راپورت مشروحی از اوضاع آنجا و عملیات خود اطلاع داد. اخیراً شرایطی برای اصلاح و رفع غایبه فی مابین مطرح هر شرط آن محل اختلاف طرفین بود به ترتیبی که صلاح دولت و مالک بود اصلاح شرط مزبور به مشارالیه دستور و قدغن نمودم به ممسنی مراجعت نماید ولی لزوماً خاطر محترم را مستحضر می دارد و به طوری که ریاست قشون به وزارت جلیله جنگ راپورت داده عمده انکال امامقلی خان به بویراحمدی است و به هر صورت برای اختتام غائله به ممسنی لازم است مقرر فرمایند خوانین بختیاری فوری بویراحمدی را از خاک ممسنی بکوجانند و از آنها قویاً جلوگیری نمایند والا این مسئله مشکلات مهمی را تولید نموده و خواهد نمود. معین است توجه سربمی به این موضوع مبذول می فرمایند. ۷۴۹۲. نصرت السلطنه.
[ک ۱۷۷۶/۴۳ و ۴۴]

[سند شماره ۹]

امیرهمایون به معین التجار، ۲۳ اسفند ۱۳۰۰

اداره تلگرافی دولت علیه ایران. نمره کتاب ۲۳۱. از کازرون به طهران. نمره تلگراف ۸. تاریخ اصل ۲۲ [حوت]. تاریخ وصول ۲۳ حوت [۱۳۰۰]

[سند شماره ۶]

وزارت داخله به امامقلی خان رستم، ۳۰ بهمن ۱۳۰۰

وزارت داخله. نمره کتاب ثبت ۶۰۷۴. طهران به کازرون، ۳۰ دلو ۱۳۰۰/۲۱ جمادی الثانی ۱۳۴۰. کازرون جواب نمره ۳۲/۲۲۵۴

امامقلیخان. تلگراف شما ملاحظه شد. اعزام اردو برای استقرار انتظامات محلی بوده است. البته شما موافق احکام ایالت جلیله رفتار، به طوری که از طرف ایالت مقرر شده است مطمئناً به شهر رفته مطالب خودتان را اظهار نمایید تا رسیدگی و احقاق حق به عمل آمده قرار آسایش شما داده شود.
[ک ۱۷۷۶/۱۲]

[سند شماره ۷]

ایالت فارس به وزارت داخله، ۲ اسفند ۱۳۰۰

اداره تلگرافی دولت علیه ایران نمره کتاب ۳۵۸ از شیراز به طهران نمره تلگراف ۴۰ تاریخ اصل ۲ [حوت] تاریخ وصول ۲ حوت ۱۳۰۰

وزارت جلیله داخله. تلگراف نمره ۶۰۶۰. وقتی رسید که سه روز قبل از طرف رییس قشون تلگراف شده بود که شروع به جنگ و زدو خورد گشته اند به وصول تلگراف رییس قشون یک نفر از معتمدان خود را فرستاده که به هر قسم است بلکه باز به تدابیر عملیه و علمیه عمل را تصفیه نموده و به همین قسم که امروز که تلگراف وزارت جلیله رسیده به موقع اجرا گذارده شود. منتظر جواب و اقدامات مشارالیه می باشیم هر چه راپورت رسید فوری خاطر آن وزارت جلیله را مسبق دارم. نمره ۷۵۲۵. نصرت السلطنه.
[ک ۱۷۷۶]

ه [در یک یادداشت ضمیمه آمده است]: به نمره ۶۰۶۰ به ایالت فارس تلگراف نشده و در ذکر نمره اشتباه شده است. راجع به ممسنی و امامقلیخان به ایالت در تحت نمره ۶۰۶۱ [ز.ک.]

بیت‌المقدس ۱۳۳۲

سهم شیخ طاعت دانش فاضل و بیاد همکاران
آتش می‌دهد و راه را که از تقویت و اجتهاد علم همکار
مهر و محبت است به هم می‌بندد و بهر چه در راه است
علاقمند است با طایفه اولاد و کلمه و کلام است
صمیمانه و در وقت ندمت آن را می‌نویسد و هر چه در راه است
از قلم بیاد همکاران و بهر چه در راه است
کوفت می‌نویسد و سینه با محبت به علم و راه است
به هر چه در راه است و در راه طاعت و راه همکاران
کلمه است اینها هم بهر چه در راه است
کلمه است اینها هم بهر چه در راه است
کلمه است اینها هم بهر چه در راه است

کلمه است اینها هم بهر چه در راه است
کلمه است اینها هم بهر چه در راه است
کلمه است اینها هم بهر چه در راه است
کلمه است اینها هم بهر چه در راه است
کلمه است اینها هم بهر چه در راه است
کلمه است اینها هم بهر چه در راه است
کلمه است اینها هم بهر چه در راه است
کلمه است اینها هم بهر چه در راه است
کلمه است اینها هم بهر چه در راه است
کلمه است اینها هم بهر چه در راه است

طهران ۱۳۳۲
اسم نویسنده
ماده ۱۳۳۲

کتابخانه خوارزمشاه

کتابخانه خوارزمشاه
کتابخانه خوارزمشاه

کتابخانه خوارزمشاه
کتابخانه خوارزمشاه

کتابخانه خوارزمشاه
کتابخانه خوارزمشاه

کتابخانه خوارزمشاه
کتابخانه خوارزمشاه

کتابخانه خوارزمشاه
کتابخانه خوارزمشاه

بولک علی ایران



وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

شماره ثبت کتاب ۵۰۷۰۷

تاریخ ثبت کتاب

محل ثبت کتاب

نام نویسنده

تاریخ ثبت کتاب ۱۳۰۰

محل ثبت کتاب

۱۳۰۰ خورشیدی ۴ شهریور

وزارت دادگاه



۱

اداره جریب

بابت مهر و ثبت در دفتر شماره ۲۵۴۳۳ وزارت دادگستری به جهت صدور حکم در خصوص
 ام و نامشروع بر روی صورتی که در این تاریخ در دفتر ثبت شده است که در تاریخ
 این در این تاریخ در دفتر ثبت شده است که در این تاریخ در دفتر ثبت شده است که در این تاریخ
 در دفتر ثبت شده است که در این تاریخ در دفتر ثبت شده است که در این تاریخ در دفتر ثبت شده است
 در دفتر ثبت شده است که در این تاریخ در دفتر ثبت شده است که در این تاریخ در دفتر ثبت شده است



۱۳۰۰ خورشیدی
 ۴ شهریور

۱۳۰۰ خورشیدی
 ۴ شهریور

no 16

وزارت دادگستری
 اداره جریب
 شماره ثبت: ۱۳۰۰ خورشیدی
 ۴ شهریور



تاریخ ثبت	شماره ثبت	تاریخ صدور	شماره صدور
۱۳۰۰ خورشیدی	۱۳۰۰ خورشیدی	۱۳۰۰ خورشیدی	۱۳۰۰ خورشیدی

بابت مهر و ثبت در دفتر شماره ۲۵۴۳۳ وزارت دادگستری به جهت صدور حکم در خصوص
 ام و نامشروع بر روی صورتی که در این تاریخ در دفتر ثبت شده است که در این تاریخ
 این در این تاریخ در دفتر ثبت شده است که در این تاریخ در دفتر ثبت شده است که در این تاریخ
 در دفتر ثبت شده است که در این تاریخ در دفتر ثبت شده است که در این تاریخ در دفتر ثبت شده است
 در دفتر ثبت شده است که در این تاریخ در دفتر ثبت شده است که در این تاریخ در دفتر ثبت شده است